

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۳۱ ■ یکشنبه ■ ۷ اردیبهشت ۱۳۹۹

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ تایمر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روایط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مندوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱۳/۰۲ اذان مغرب ۲۰/۰۶ نیمه شب شرعی ۰۵/۱۶ اذان صبح فردا ۴/۴۴ طلوع آفتاب فردا ۶/۱۶</p>	
<p>رسول اکرم صلی‌الله علیه‌وآله: براستی که کمک از جانب خداوند به اندازه هزینه می‌رسد و صبر از جانب خداوند به اندازه گرفتاری می‌آید.</p> <p>من لایحضره الفقیه ج ۲، ص ۲۹۴، ج ۲۴۹۸ (شبهه‌این حدیث در امالی (صدوق) ص ۵۵۲، ج ۳)</p>	
<p>سخن روز</p>	

ننگاره <p>پریسا نور الهی</p>	
	
ص‌ل‌ح	
	

در سوگ سوسن طاق‌دیس نویسنده شوخ طبع کودکان

او را با صراحت و شوخ‌طبعی‌اش به یاد می‌آورم

سوسن طاق‌دیس به‌تازگی از دنیای قصه‌گویی کودکان بد‌رود حیات‌گفته است. او را که نویسنده کودک است، اهل قلم و ادب به خوبی می‌شناسند. غم فراق او برای جامعه ادبی کشور بسی سنگین است؛ برای آنهایی که ادبیات کودک را به‌تبلور رساندند. آنهایی که عمرشان را برای بلوغ فکری و بالندگی نسل آینده کشور سپری کردند.	
--	--

<div>سوسن طاق‌دیس را سال‌هاست می‌شناسم. قصه‌هایش را خوانده‌ام. با او نه نشست‌های قصه‌خوانی بوده‌ام. دوره اول و دوم انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با او همکاری نزدیک داشتم، اما هیچ گاه به او آن قدر نزدیک نبودم که بدانم پشت این شوخ طبعی و صراحتی که به‌خاطر آن شوخ طبعی از گزندگی‌اش کاسته می‌شد، چه رنجی پنهان است. من ندیده بودم از رنج‌هایش حرف بزن‌دو غر بزن‌د. در این سال‌ها که بیماریِ امانش را بریده بود، باز هم اگر جایی بود، با همان شوخ طبعی بود.</div>	
<div>این جور چیزها را در همه سوگ‌نوشته‌ها البته می‌توان یافت. وقتی آدم‌ها می‌میرند، آشناتر می‌شوند، اما سوسن طاق‌دیس یک سال پیش برای من آشناتر شد. وقتی زندگینامه‌اش را برای پروژه پرورنده بین‌المللی نویسندگان، یک نفس خواندم، زندگینامه‌ای که هنوز فکر می‌کنم منتشر نشده باشد. در این پروژه ۱۰ نویسنده به پیشنهاد نهادهایی مانند مرکز مطالعات ادبیات کودک، شورای کتاب کودک و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان انتخاب شده بودند و گزارشی از زندگی حرفه‌ای آنان تهیه شده بود. سوسن طاق‌دیس یکی از این ۱۰ نویسنده بود که زندگینامه‌اش با همه فرق داشت. صراحت و شوخ طبعی همیشگی‌اش در آن زندگینامه هم بود. او از زندگی‌اش گفته بود و دوست جوانی نوشته و تنظیم کرده بود. نمی‌دانستم که چرا آن همه خرده آگاهی از زندگی‌اش را روی دایره ریخته است، خرده‌هایی که جزو رازهای مگوی بسیاری از ماست، اما دقیقاً همان‌ها، همان آگاهی‌ها بود که او را به ما می‌شناساند و به درد نویسندگان جوان‌تر می‌خورد که نشان می‌داد نوشتن چه ارزشی در زندگی او دارد و برای نوشتن چه رنجی کشیده و تا کجاها پیش رفته است و از چه چیزها گذشته است تا بتواند بنویسد. در نشست رومانی آن پرورنده‌ها کم حرف بود، از آن خنده‌ها و شوخ طبعی‌ها دیگر خبری نبود. چهره‌اش گرفته بود. گفتم: خانم طاق‌دیس! زندگی شما یک رمان جذاب نوجوان است، اسمش را هم بگذارید دختری که به‌خاطر نویسنده شدن از خانه فرار کرد. خندید و تشکر کرد. حتی نگفت خسته‌ام، اما خسته بود، مثل کسی که تمام عمر دودیده باشد.</div>	

	
عکس نوشت	
<p>«طلاخون» چهارمین فیلم سینمایی ابراهیم شبیانی بعد از «زهر عسل»، «صحنه جرم، ورود ممنوع» و «هیچ کجا هیچ کس» است. این فیلم دومین همکاری شهاب حسینی با ابراهیم شبیانی ۱۸ سال پس از تجربه حضور در «زهر عسل» است. علاوه بر او حسام منظور، زهرا خوشکام و ترنم کرمانیان از دیگر بازیگرانی هستند که در این فیلم حضور دارند. همچنین بهار قاسمی که بیشتر در تئاتر فعالیت داشته، چهره جدیدی است که در این فیلم به ایفای نقش پرداخته است. شبیانی «طلاخون» را با عنوان قبلی «خورشید همچنان می‌درخشد» اوایل زمستان جلوی دوربین حسین جعفریان برد.</p>	

سید عباس صالحی: آیت‌الله امینی شخصیتی بی‌مانندداشتند	
<p>آن فقید سعید از نخستین روزهای شکل‌گیری نهضت اسلامی به عنوان شاگرد امام خمینی (ره) در صف مبارزه با نظام مستشاهی حاضر بود و پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، در مسیر تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و اخلاقی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. صراحت و صداقت، در کنار مشی معتدل و خیرخواهانه از ویژگی‌های بارز آن فقیه اندیشمند بود.</p>	

بخشی از پیام وزیر فرهنگ به مناسبت درگذشت آیت‌الله امینی

بخشی از محبت‌های این خواننده با ایستا

سید عباس صالحی: آیت‌الله امینی شخصیتی بی‌مانندداشتند	
<p>آن فقید سعید از نخستین روزهای شکل‌گیری نهضت اسلامی به عنوان شاگرد امام خمینی (ره) در صف مبارزه با نظام مستشاهی حاضر بود و پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، در مسیر تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های دینی و اخلاقی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. صراحت و صداقت، در کنار مشی معتدل و خیرخواهانه از ویژگی‌های بارز آن فقیه اندیشمند بود.</p>	

بخشی از پیام وزیر فرهنگ به مناسبت درگذشت آیت‌الله امینی

دروزرگار کروناچه باید کرد؟

بتن‌ریزی روی دیوار چهارم

مذهبی و ارتباطی را تخته کرد. در این میان دیوار چهارم تئاتر را هم بتن‌ریزی کرد و این بار از این دیوار نامرئی مانعی مرئی و محکم و نفوذناپذیر پدید آورد. تا آنجا که تمام تئاتری‌ها و هنرمندان عرصه نمایشگری خانه‌نشین‌تر از قبل شدند. دیوار چهارم همچون دیوار چین در دوران کرونا دزی میان مخاطب و اندیشه‌ای با قدرتی که وجود نداشت ساخت. فرصتی پیش آمده تا به‌جای خودنمایی بر صحنه تئاتر، آنچه در سال‌های اخیر رواج یافته، بیش‌تر به انتقال اندیشه بیندیشیم و بپردازیم. بلیت‌های گران تئاتر را به قیمت آمدن خیل تماشاگران بی‌هدف با حضور اجراگرانی که اندیشیدن را نمی‌دانند، فروختم. هنرمندان هنرهای نمایشی به وضع بد اقتصادی و معیشتی عادت دارند چون تمام دوران کاری خود را در تمام جهان به سختی روزگار گذرانده‌اند. اما احوال روحی روانی جماعتی که کل پیگراهایشان در یک سرزمین، یک قبرستان را هم بر نمی‌کند برای صاحبان قدرت و مدیریت (که کرونا بیش‌تر به آنها اعتراض دارد) در اولویت قرار ندارد. فعالیت خود این اهالی هم این روزها لایوهای آموزشی و کم‌طرفدار برای سرگرم کردن خودشان و همین‌طور جمع کردن امضا برای بیمه بیکاری‌شان یا گفت‌وگوهای غیرتخصصی در باب کشتن زمان است. غافل از اینکه توقف تولید اندیشه و انتقال آن چه تأثیری در روند زندگی اجتماعی مردم دارد؟ وجود انسانی و همین‌طور معیشت هنرمندان مهم است اما در دوران سکوت خردمندان و بازنگری تئاتر اگر تغییراتی صحیح به وجود نیاید همچنان مخاطبان از این هنر تنها سرگرم شدنشان و نه بالا بردن کیفیت زندگی‌شان را طلب می‌کنند. عده کمی معیشت خود را خواهند داشت و بیشترین همان‌طور مثل قبل… حال آنکه اگر ایده‌های بجای بخش می‌خواهیم جز در اندیشه مردمان کشف و انتقال اندیشه پیدا نمی‌شود.

شهر دالاهو در آستانه ثبت به‌عنوان شهر ملی ساز سنتی



موضوعات مهم‌تری از تاروت‌تنبور برای ثبت جهانی دارد که ترجیح می‌دهد سهمیه را برای آن موضوعات اختصاص بدهد. لذا پیشنهاد ثبت اشتراکی تنبور را با دو کشور دیگری یعنی ترکیه و عراق مطرح می‌کند. مشکل دیگر در مورد به ثبت ملی رسیدن دالاهو به‌عنوان شهر سازهای سنتی خود مردم هستند که نگاه‌های متعصبانه‌شان مانع از این اقدام شده است. دالاهو از دیرباز مرکز مقامات تنبور و فرهنگ آیینی بوده و هیچ تنبورناوی در این مهم شکی نداشته است. البته هرچقدر از مرکز فاصله بگیریم لحن نواختن ساز کمی تغییر می‌کند. اما گردش ملودی و حتی نام مقامات همان است که در منطقه اصلی تنبور است و در این موضوع اختلاف نظری وجود ندارد. اما متأسفانه این اختلافات بی‌مورد حاصل بی‌تجربگی برخی از جوانان ما است و جای تأسف است که از اخلاق تنبور ناوی که در گذشته اصل موضوع بوده‌فاصله گرفته‌اند ومسائل که‌اهمیتی چون منطقه جغرافیایی یا شهر و روستای خود را مهم‌تر از اصل موضوع می‌دانند یا اینکه به هر وسیله‌ای و با هر پیامی در پی مطرح کردن خود هستند و حتی کسان دیگری از شهرهایی که هیچ سختی‌نی با این فرهنگ‌سازی ندارند نگاه تخصصی به این موضوع دارند و خود را اهل فن می‌دانند. متأسفانه فرق بین آهنگی را که در مجالس شادی و طرب نواخته‌می‌شود با مقام کهن اساطیری تشخیص نمی‌دهند. همه اینها موجب این مشکلات شده است وگرنه به نظر من دالاهو، گهواره، صحنه، نورآباد و در این سال‌ها حتی شهرهای شیراز، همدان و تهران هم می‌تواند شهر خلاق تنبور معرفی شوند.

کمونیست رو خواهد داشت و فدای جهان با این خانم اعجاب انگیز خواهد بود!»، «حکومت کیم تموم شد.. دیگه مردم حقشونه مگنوم یا دبل جاکلت پریمی چیزی داشته باشن بعد این همه سال»، «الان مردم کره شمالی با هم دیگه میخونن؛ «اون» که رفته دیگه هیچ‌وقت نمیداد...»، «خیلی تفاوت نمیکنه «اون» مرده باشه، مگه پدرش مرد چی شد؟ نهایت به «این» میذارن جاش!»، «گويا کیم جونگ اون رهبر کره‌شمالی درگذشته؛ حالا ترامپ با کی عکس بگیره؟ ایام کرونا داره سورپرایزهاشو تکمیل میکنه!»، «می‌خوام امروز رفتنیرو رو بشکنم و برم سوار تاکسی بشم که ببینم مرگ کیم جونگ اون کار کدومشونه»، «کیم یو جونگ سیاستمدار و ایچی کوچیکه کیم جونگ اون مدیر شعبه تبلیغات حزب کارگران کره شمالی متولد ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸. از سال ۲۰۱۴ کارش رو شروع کرده و به‌خاطر سال‌هایی که در سوئیس با کیم جونگ اون درس می‌خوندن رابطه بسیار نزدیکی باهاش داره (داشته؟) خیلی دلم می‌خواد بدونم طرز فکرش چجوریه؟»، «اگه کیم مرده باشه هر چی پرستار و دکتر و پرسنل مربوطه هست از دم تیربارون میشن»، «یاد کارتون سیمپسون‌ها افتادم که گت تو سال ۲۰۲۰ به سیاستمدار مهم جهان می‌میره».

ایرانن. «تتلو متأسفانه آینه تمام‌قد و افراطی بخشی از جامعه ایران، بویژه بسیاری از جوانا و نوجون‌هاست. مبارزه با این تفکر نهادینه، سخت و زمان‌بره. دم هرکی که به هر نحوی تو این مبارزه و فرهنگ‌سازی مشارکت می‌کنه گرم. بسته شدن اکانت‌هاش راه سریع و مقطعی‌ولی از هیچی بهتره»، «حالا ما با اون قضیه زن‌ستیز و اینا شوخی می‌کنیم ولی این تتلو واقعاً زن‌ستیز و هتتا و روانپه. چه جوری این دختر فالوش می‌کنن آخه»، «من به شخصه به هر سلیقه‌ای احترام می‌ذارم ولی هرکی از تتلو خوش میاد بیاد بگه تا همو بلاک کنیم، خیلی خیلی ممنون میشم ازش». «امروز رو با به خبر خوب شروع می‌کنیم. بیج تتلو با بیش از ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار فالوور از دسترس خارج شد، همچنین بیج دوم و جایگزین تتلو که مربوط به برنامه‌ها و تصاویر کنسرت‌های تتلو بود هم بسته شد، این خبر رو کوروش مدیر برنامه‌های تتلو تأیید کرد»

دعای روز دوم ماه مبارک رمضان

اَللّهُمَّ قَرِّبْنِیْ فِیْهِ اِلَیْ مَرْضَاتِکَ وَ جَنِّبْنِیْ فِیْهِ مِنْ سَخَطِکَ وَ تَقْصَاتِکَ وَ وَقِّفْنِیْ فِیْهِ لِقَرَاتَةِ آیَاتِکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

خدايا مرا در این ماه به خشنودی ات نزدیک کن، و از خشم و انتقامت برکنار دار، و به قرائت آیات موفق کن، ای مهربان ترین مهربانان.

ماه میهمانی خدا (۳)

کتابی مبارک

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ» (دخان، ۳)

ماقرآن را در شبی مبارک و فرخنده نازل کردیم، ما همواره اِندازکننده بودیم.

قرآن از همه جهت مبارک است:

(الف) از جهت نازل‌کننده. «تبارک‌الذی نزل الفرقان»

(ب) از جهت مکان نزول. «بیکهٔ مبارکا»

(ج) از جهت زمان نزول. «فی لیلة مبارکه»

(د) از جهت متن و محتوا. «کتاب‌انزلناه الیک مبارک»

کتابی باکرامت

«أَنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیْمٌ. فِی کِتَابٍ مُّکْتُمٍ. لَیْسَ بِهِ اَلْمُطَهَّرُونَ. تَنْزِیلٌ مِّن رَّبِّ اَلْعَالَمِیْنَ» (واقعۀ، ۷۷-۸۰)

همنانا قرآن کریم است که در کتاب محفوظی جای دارد. جز پاکیزگان به آن دست نزنند. فرو آمده از سوی پروردگار جهانیان است.

در قرآن، خدا و آنچه مربوط به اوست، «کریم» توصیف شده:

۱. خداوند، کریم است. «ما عرک برک الکَرِیم»

۲. قرآن، کریم است. «أَنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیْمٌ»

۳. رسول خدا، کریم است. «و جاءهم رسولٌ کرِیمٌ»

۴. واسطه نزول وحی (جبرئیل)، کریم است. «انله لقلول رسول کریم»

۵. انسان نیز به عنوان برترین مخلوق الهی، مورد کرامت است. «او لقد کرّمنا بنی آدم»

آری قرآن، کلید کرامت و عزت فرد و جامعه است. تلاوت، تدبر و پندگیری از آن، مایه رشد و کرامت انسان است. «أَنَّهُ لَقُرْآنٌ کرِیمٌ»

■ **گوشه‌ای از امتیازات قرآن:**

۱. شیرینی و نفوذ کلام: اگر هزار بار هم خوانده شود، کهنه نمی‌شود، بلکه هر بار نکته‌ای به دست می‌آید.

۲. آهنگ و موسیقی کلام: طنین و آهنگ کلمات آن، مخصوص است و اگر آبیای از قرآن در میان سخنان هر عرب زبان، یا در میان روایات باشد، مشخص است.

۳. جامعیت قرآن: از دنیا تا آخرت، همه مسائل فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، اخلاقی و... را دربردارد.

۴. واقع گرایی: محتوای آن مبتنی بر حدس و گمان نیست. حتی داستان‌هایش مستند و واقعی است.

۵. فراگیر و جهانی: مردم در هر زمان و مکان، در هر سطحی که باشند، از آن بهره می‌برند و به صورت کتاب تخصصی نیست.

۶. ابدی و جاودانه: هر چه از عمر بشر و علوم می‌گذرد، اسرار بیشتری از قرآن کشف می‌شود.

۷. رشد فراینده: با داشتن بیشترین دشمن، بیشترین رشد را در طول عمر خود داشته است.

۸. معجزه‌زای در دست: این معجزه از نوع سخن و کلمه است و در اختیار همه است.

۹. هم کتاب موعظه، هم کتاب دستور و قانون است.

■ **امتیاز داستان‌های قرآن**

«تَحْسَنُ نَقْصَ عَلیْکَ اَحْسَنَ اَلْقِصَصِ بِمَآ اَوْحَیْنَا اِلَیْکَ هَذا الْقُرْآنَ...» (یوسف، ۳)

ما با این قرآن که به تو وحی کردیم بهترین داستان را بر تو بازگو می‌کنیم.

۱. قصه‌گو خواند است. «نحن نقصّ» ۲. هدفدار است. «نقصّ علیک ... منّا بَیت به فِواکد» ۳. حق است، نه بافته ذهن و خیال. «نحن نقصّ علیک نبأهم بالحقّ» ۴. وسیله تفکر است، نه تخییر. «فافصص القصص لعلّهم یتفکرون» ۶. وسیله عبرت است، نه سرگرمی. «الفکدان فی قصصهم عبرة»

مرا از این حیرت، رهایی ده

ای همواره با من!

ای کاش می‌دانستم کدام ریسمان، مرا به تو پیوند می‌دهد و کدام نردبان، به آسمان رسیدن، می‌رساندم.

دور افتاده ام؛ دور افتاده از خویش و گرنه اینگونه پریش و سردرگم نبودم.

دور افتاده ام؛ دور افتاده از تو که در وادی حیرت، سرگردان مانده‌ام.

این روزها و ساعت‌ها که به میهمانی خویشنت دعوتم کرده‌ای امید آن دارم که به عروه الوقای محبت تو چنگ بزنم

تا به لیخن ز زیبات شادم کنی.

ای پناه آوارگان!

از خشم توبه مه‌رت رو آورده‌ام و از عذابت به آمرزش‌ت امید بسته‌ام.

لغزش‌ش‌هایم شرم‌ندهام کرده‌اند و نافرمانی‌هایم سرافکنده‌ام ساخته‌اند.

دل هر جایی‌ام، سرگشته بیابان گمراهی است و جز تو کیست که سرو سامانش بدهد؟ پس در اوج نیاز، به تو پناهنده شدم و چه کسی از تو دستگیرت؟

مرا از این آوارگی، نجات ده و مگذار بیش این حیران باشم.

ماه باران است؛ باران مهری که هیچگاه از من دریغ نداشتی و من چه ناسپاسم که خویش را از لطافت این قطره‌هایی که با هزاران فرشته فرو می‌بارند، بی‌نصیب ساخته‌ام.

باران می‌بارد و چه زیباست که به شکرانه آن با تو به زمزمه بنشینم. به زمزمه کلامی که کلام توست و واژه‌هایی که عطر حرا و کعبه و مدینه دارند.

اینک در زیر بارش نوره، ای‌هایت را بر زبان جاری می‌کنم و با ترتیل دل انگیز نیایش، با تو سخن می‌گویم که جان و روانم را به پاییزی شد بهاری اش کن امشب

سر سبزی و طراوت، صفا دهی.

دل مانده غریب، یاری اش کن امشب

خود چاره بی‌قراری اش کن امشب

ای آبی عشق! این دل هرجایی

پاییزی شد بهاری اش کن امشب